خبرها

گزارش نظارتی پروژه‌های عمرانی

فارس: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کل کشور عملکرد سازمان‌های اجرایی را در مورد پروژه‌های عمرانی ملی مصوب برای نیمه اول سال ۱۳۸۴ منتشر کرد. به نقل از گزارش نظارتی پروژه‌های عمرانی ملی برای نیمه اول سال ۱۳۸۴، در پایان این دوره از میان کل پروژه‌های عمرانی پیش‌بینی شده برای شش ماهه منتهی به این تاریخ، ۸۴/۴ درصد از پروژه‌ها در دست اجرا، ۴/۸ درصد خاتمه یافته، ۵ درصد متوقف شده و ۵/۸ درصد شروع نشده‌اند. در بررسی جزیی از برخی سازمان‌های اجرایی در این تاریخ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت بازرگانی کل پروژه‌های مصوب را در دست اجرا داشته‌اند. بنابراین گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی در این تاریخ ۶۹/۶ درصد از پروژه‌های مصوب این بخش را در دست اجرا داشته، ۱۳ درصد را متوقف ساخته و ۱۷/۴ درصد را شروع نکرده است. همچنین وزارت مسکن و شهرسازی در این تاریخ از پروژه‌های پیش‌بینی شده برای این بخش ۷۲/۱ درصد از پروژه‌ها را در دست اجرا داشته، ۱۹/۱ درصد را به اتمام رسانده، ۷/۴ درصد را متوقف ساخته و ۱/۵ درصد را شروع نکرده است. وزارت نفت و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز ۵۰ درصد از پروژه‌ها را در دست اجرا داشته و ۵۰ درصد دیگر را شروع نکرده‌اند. همچنین وزارت نیرو در پایان شهریورماه سال گذشته ۸۶/۱ درصد از پروژه‌های مصوب را در دست اجرا داشته، ۲/۳ درصد را به پایان رسانده، ۳/۸ درصد را متوقف ساخته و ۷/۸ درصد را شروع نکرده است. این گزارش می‌افزاید وزارت صنایع و معادن از کل پروژه‌هایی که برای این بخش پیش‌بینی شده بود در تاریخ مذکور ۹۰/۷ درصد از پروژه‌ها را در دست اجرا داشته، ۱/۶ درصد را به پایان رسانده، ۳/۹ درصد را متوقف ساخته و ۳/۹ درصد باقی مانده را شروع نکرده است. وزارت راه و ترابری نیز در این تاریخ ۸۴/۲ درصد از پروژه‌های مصوب را در دست اجرا داشته، ۱۰/۳ درصد را به پایان رسانده، ۱/۸ درصد را متوقف ساخته و ۳/۶ درصد را شروع نکرده است. همچنین وزارت جهاد کشاورزی ۹۱/۶ درصد از پروژه‌های عمرانی مصوب برای این مدت را در تاریخ مذکور در دست اجرا داشته، ۱/۱ درصد را به پایان رسانده، ۵/۳ درصد را متوقف ساخته و ۲/۱ درصد را شروع نکرده است.

جدیت تمام نظام در مبارزه با قاچاق

دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: تمام ارکان نظام در مبارزه با پدیده قاچاق جدی هستند. حمیدرضا محمدتقی‌زاده در جمع خبرنگاران با اشاره به تشکیل همایش ملی مبارزه با قاچاق کالا اظهار داشت: همایش ملی مبارزه با قاچاق کالا و ارز روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه جاری در سالن اجلاس سران برگزار می‌شود. وی افزود: در دور جدید فعالیت ستاد و همزمان با شروع به کار دولت جدید تبیین و بازنگری در سیاست‌ها و خط مشی مبارزه با قاچاق نیاز بود. تقی‌زاده با بیان اینکه در این همایش به برخی ابهامات مدیران ستاد پاسخ داده می‌شود، افزود: این همایش با حضور رئیس جمهور، مسئولین قوه قضائیه، تعدادی از وزرا، اعضای هیات دولت، معاونین وزرا و اعضای هیات دولت، استانداران استان‌ها و معاونین و مدیران استانی مسئول در مبارزه با قاچاق کالا و ارز حضور دارند. وی ایجاد همدلی و هماهنگی بین دست اندرکاران مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رفع سئوالات و ابهامات در مورد مبارزه، اهداف و روش‌های مبارزه، توجیه اعضای همایش به سیاست‌های دولت جدید توسط ستاد را از اهداف این همایش ذکر کرد. به گفته تقی‌زاده قوانینی در سال جاری توسط مجلس تصویب شده که کمک بسیار جدی به مبارزه با قاچاق کالا و ارز داشته و پیرو آن قوانین، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی داده شده است. وی ادامه داد: این قوانین بسیاری از خلأهایی که قبلاً وجود داشته را پوشش داده است و بخش عمده‌ای از همایش مربوط به توجیه و تشریح قوانین و آیین نامه‌های مربوطه است و این امر جدیت قوه قضائیه در مبارزه را نشان می‌دهد. دبیر ستاد مبارزه با قاچاق با بیان اینکه دولت در مبارزه با قاچاق کالا و ارز بسیار جدی است، افزود: علاوه بر دولت تمام ارکان نظام برای تحقق این هدف با یکدیگر همگام هستند. وی با بیان این نکته که استفاده از تمام اختیارات اداری و قضایی و انتظامی برای مبارزه با قاچاق در قوانین تصریح شده است، خاطرنشان کرد: ۴ سال است که در قوانین بودجه عنوان شده که دستگاه‌ها موظفند با تمام اختیارات اداری، قضایی و انتظامی قاچاق را دنبال کنند و از ستاد درخواست شده که آیین نامه اجرایی برای آن تدوین کنند که این کار انجام شده و آیین نامه اجرایی آن برای تصویب به هیات دولت فرستاده شده است. وی با این گفته که در این همایش آخرین تبادل نظرات انجام می‌شود، گفت: مخاطبان این همایش سه دسته دستگاه‌ها و مسئولین دولتی، مردم و متخلفان و مجرمین هستند. تقی‌زاده گفت: سیاست‌های ستاد، بر مبارزه با دسته‌ها و گروه‌های قاچاقچی و دانه درشت‌ها منطبق شده است. به گفته وی این همایش پیام روشنی برای قاچاقچیان دارد، ستاد به گونه‌ای عمل خواهد کرد که قاچاق برای قاچاقچیان به صرفه نباشد. دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با بیان اینکه قاچاق در تمام نقاط کشور قاچاق است، گفت: جریمه قاچاقچیان افزایش یافته است و از اختیارات دستگاه‌های دولتی علیه قاچاقچیان استفاده می‌شود و ستاد در پرونده‌ها به عنوان شاکی معرفی خواهد شد. وی بر پیگیری پرونده دانه درشت‌ها از سوی رسانه‌ها تاکید کرد و گفت: گروه مشخصی در ستاد برای پیگیری پرونده‌ها مشخص شده است.

اقتصاد سیاسی پس از انقلاب در گفت‌وگو با علیرضا علوی تبار

حکومت چندگانه آثار اقتصادی ناهمگن دارد

سام غفارزاده

بخش اول

دکتر علیرضا علوی تبار از چهره‌های سرشناس جبهه اصلاحات است که در دوره حکومت اصلاح طلبان از ورود به مشاغل پارلمانی و مناصب بوروکراتیک خودداری کرد و ترجیح داد در حوزه فرهنگی و آموزشی باقی بماند. او پروژه تحقیقاتی مفصلی درباره اقتصاد سیاسی ایران دارد که بهانه گفت‌وگوی ما بود ولی در میانه مصاحبه مسیر گفت‌وشنود ما به تبارشناسی اقتصادی دولت جدید تغییر یافت. نظر به شناخت علوی تبار از مجموعه نیروهای داخل نظام اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تحلیل‌های وی در این خصوص خواندنی است.

■■■

■ اگر بخواهیم دولت‌های بعد از انقلاب را از نظر اقتصاد سیاسی تحلیل کنیم، وجوه تمایز و مشترک آنها را در چه می‌بینید؟

ابتدا باید درباره اقتصاد سیاسی ایران به یک نتیجه و نظر برسیم و بعد جایگاه دولت یا به معنی دقیق‌تر جایگاه حکومت را در این اقتصاد سیاسی مشخص کنیم. منظور از اقتصاد سیاسی، بررسی پیامدهای سیاسی تصمیمات اقتصادی و پیامدهای اقتصادی تصمیمات سیاسی است. بررسی این دو در حیطه چیزی قرار می‌گیرد که اقتصاد سیاسی نامیده می‌شود. البته کلمه اقتصاد سیاسی کاربردهای دیگری هم در متون مربوطه دارد ولی وقتی من می‌گویم اقتصاد سیاسی منظورم همین است. این اقتصاد سیاسی تحت‌تاثیر سه عامل اصلی یا سه مجموعه از متغیرها شکل می‌گیرد. یکم مجموعه ساختارها و کارکردهای حکومت است، دوم مجموعه نیروهای اجتماعی و سوم مجموعه وضعیت تکنولوژی/معیشتی جامعه است. این سه عامل در تعامل با هم اقتصاد سیاسی یک کشور را می‌سازند. بنابراین دولت تنها جزیی از عناصر سازنده چیزی است که اقتصاد سیاسی خوانده می‌شود. وقتی می‌خواهیم وضعیت طبقه را هم روشن کنیم، باید وضعیت گروه‌های منزلتی و نوع تکنولوژی را هم تعیین کنیم. چون همه اینها در شکل‌دهی به اقتصاد سیاسی موثرند. دولت‌های بعد از انقلاب ایران، در چند ویژگی ـ که به حکومت در ایران برمی‌گردد و در رفتارهای اقتصادی هم اثر می‌گذارد ـ شریک هستند. به طور مثال حکومت ایران یک حکومت چندوجهی است. یعنی حکومت فقط «گروه سالار» نیست. یک حکومت دموکراتیک یا کاریزماتیک هم نیست. ما در آن هم ویژگی حکومت‌های کاریزماتیک را می‌بینیم هم بعضی از خصوصیت‌های حکومت دموکراتیک. بعضی از ویژگی‌های حکومت‌های الیگارشی یا گروه سالار (اندک‌سالار) را هم می‌بینیم.

■ این ترکیبی که شما گفتید آیا در کشورهای در حال توسعه دیگر هم سابقه داشته، یا در جاهای دیگر هم با این شکل دیده شده است؟

این ویژگی اغلب در ساختارهای حقیقی قدرت کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود. اما نکته درخور توجه این است که در نظام حقوقی ایران هم این وضع به رسمیت شناخته شده است. آنچه که ایران را از بقیه کشورها متمایز می‌کند، چندوجهی بودن حکومت نیست، همه حکومت‌ها ـ به خصوص در جهان سوم ـ چهره‌های مختلفی از خودشان نشان می‌دهند. اما در ایران چندوجهی بودن در قانون هم تثبیت شده است.

■ نمونه آن چیست؟

شما وقتی قانون اساسی را می‌خوانید می‌بینید که این قانون سعی کرده یک حکومت کاریزماتیک را تداوم بدهد. اصولی که مربوط به ولایت فقیه است در واقع تثبیت یک حکومت کاریزماتیک است. اختیارات ویژه‌ای را برای رهبری قائل شده که یک رسالت فراتاریخی دارد و باید بتواند به آن رسالت با استفاده از امکانات عمل کند. از طرف دیگر حقوق ویژه‌ای برای روحانیت ـ یا حداقل بخشی از روحانیت ـ در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است.

■ چه حق ویژه‌ای؟

مثلاً بعضی از سران قوا حتماً باید روحانی یا حداقل مجتهد باشند. مثل قوه قضائیه. قسمت عمده شورای نگهبان در اختیار روحانیت است و بخش دیگر با نظر رئیس قوه قضائیه که روحانی است انتخاب می‌شود. باز در ترکیب مجمع تشخیص مصلحت می‌بایست روحانیونی حاضر باشند. از طرف دیگر ریاست جمهور، مجلس و شوراهای ما بعضی از خصیصه‌های دموکراتیک را از خودش نشان می‌دهد. پس ما حکومتی داریم دارای چندوجه، به همین علت بعد از انقلاب شما حکومت را یک‌وجهی و خالص نمی‌بینید. این در همه دولت‌های بعد از انقلاب کمابیش دیده می‌شود. البته گاهی یک‌وجه بر وجه‌های دیگر غلبه می‌کند. مثلاً در سال‌های نخست انقلاب تا پایان جنگ وجه کاریزماتیک غالب است. در سال‌های بعد از آن تلاش می‌شود که بخش دموکراتیک غلبه پیدا کند ولی هیچ‌وقت شما حذف سایر وجوه را نمی‌بینید.

■ دولت جدید بر کدام بخش غلبه دارد؟

در دولت جدید اتفاق جدیدی هم در حال وقوع است. دولت جدید نماد تحولی در حال اتفاق است. این نماد تحولی است که دیگر به حالت اندک‌سالاری تمایل ندارد. یعنی حکومت ما از یک حکومت اندک‌سالار به یک حکومت یکه‌سالار انتقال پیدا می‌کند که با کمک ابزارها به جامعه وارد می‌شود. حالا این ابزارها گاهی از سوی قوه قهریه صادر می‌شود. گاهی نیز اجبار ساختاری است یعنی در آن از قوانین هم استفاده می‌شود. در واقع دولت جدید نماد پیروزی میل به یکه‌سالاری در عرصه سیاسی ایران است.

■ اگر موافقید به سئوال بازگردیم؛ ویژگی‌های مشترک دولت‌های بعد از انقلاب از منظر اقتصاد سیاسی.

اولین ویژگی مشترک همه دولت‌های بعد از انقلاب این است که به لحاظ ساخت سیاسی و عمل سیاسی‌شان وجوه متعدد از خودشان نشان می‌دهند. یکی از این وجوه سه‌گانه گفته شده غلبه بیشتری می‌کند. ویژگی مشترک دیگری که دارند، کارکردهای متفاوتشان در عرصه اقتصاد است. برای توزیع اقتصاد سیاسی ایران مدل‌های مختلفی پیشنهاد شده است. بعضی‌ها معتقدند مدل رانتی – نفتی که پیش از انقلاب رفتارهای حکومت را خیلی خوب توضیح می‌داده، بعد از انقلاب هم می‌تواند رفتارهای حکومت را توضیح بدهد. ما هنوز هم یک اقتصاد رانتی ـ نفتی داریم با رفتارهای خاصی که آن نوع دولت دارد. گروه دیگری معتقدند حداقل در بخشی از سال‌های بعد از انقلاب مدل اقتصاد سیاسی دولت پوپولیستی یا مردم‌انگیز بهتر جواب می‌دهد. یک عده هم رفتارهای دولت‌ها در ایران را نوعی جهت‌گیری دولت (حکومت) رفاهی (welfare state) می‌دانند و متناسب با آن تفسیرش می‌کنند. مجموعه داده‌هایی که در مورد اقتصاد ایران وجود دارد نوعی ناهمگنی را نشان می‌دهد. وقتی شما اطلاعات متنوع موجود را ردیف می‌کنید می‌بینید اقتصاد سیاسی ما هم گرایش‌های رانتی، هم گرایش پوپولیستی و هم تمایلات و جهت‌گیری‌های دولت رفاهی دارد.

■ از این داده‌ها می‌توانید مثالی بیاورید؟

مثلاً ترکیب بودجه‌های دولت منهای بخش‌های نظامی و امنیتی. یعنی قسمت اجتماعی و اقتصادی و عمومی را نگاه کنید، (منظور از بخش عمومی کارهای جاری و حاکمیتی است، بخش اقتصادی سرمایه‌گذاری و مداخله در سیستم‌ها است و بخش اجتماعی جنبه‌های رفاه اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی را دربرمی‌گیرد.) در سال‌های بعد از انقلاب بخش اجتماعی نسبت به دو بخش دیگر سیر صعودی داشته است. معمولاً این نماد رفتار دولت رفاهی است. دولت‌هایی که سعی می‌کنند در اقتصاد مداخله بیشتری کنند و سهم اقتصاد را افزایش دهند. اما در عین حال شما رفتارهای رانتی هم از دولت می‌بینید. مثلاً این میل که ما سرمایه را ارزان‌تر از نیروی کار ارائه کنیم. مثل دادن وام‌های کم‌بهره. چنین اقدامی به سیستم سرمایه‌گذاری، این امکان را می‌دهد که در بین عوامل تولید کالای سرمایه‌ای برایشان ارزان‌تر از آنچه واقعاً در جامعه وجود دارد، تمام شود. این معمولاً کار دولت‌های رفاهی نیست، کار دولت‌هایی است که اقتصاد رانتی دارند. در اقتصاد رانتی گرایش دولت در سیاستگزاری به سمت ارزان‌تر کردن عنصر سرمایه و سرمایه‌برتر کردن تولید به پیش می‌رود.

■ بین سه مدلی که شما برای تحلیل اقتصاد سیاسی نام بردید، خودتان با کدام‌یک بیشتر موافقید؟

برای تبیین وضعیت ایران باید هر سه را به کار برد. رفتارها سازگار نیست. این هم به ویژگی‌هایی برمی‌گردد که یک پله قبل باید آن را بررسی کنیم. در واقع سه مجموعه از عناصر به اقتصاد سیاسی کشور شکل می‌دهند. ما در آن سه مجموعه از عناصر نوعی همگونی، یکسانی و تجانس نداریم و برعکس شاهد تشتت و وجود نیروهای متضاد هستیم. انعکاس آن در اقتصاد سیاسی ایران رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و غیرمتجانس است. نمی‌توانید با قاطعیت بگویید که دولت در ایران چیست و چه می‌کند؟ مثلاً در ادبیات اقتصاد سیاسی ما گاهی بحث می‌شود که دولت و حجم آن در ایران خیلی بزرگ شده است. به عنوان مشخصه و ویژگی اقتصاد سیاسی ایران، حکومتی یا دولتی بودن آن را نام می‌برند. اما این ادعا با چه شاخصی طرح می‌شود: معمولاً بودجه عمومی دولت را به اضافه بودجه شرکت‌های دولتی تقسیم بر حجم تولید ناخالص داخلی می‌کنند و چون رقم آن درصد بالایی را نشان می‌دهد نتیجه می‌گیرند که اقتصاد ایران، یک اقتصاد دولتی است. اما وقتی شما تامل می‌کنید می‌بینید که نمی‌توان از این شاخص این نتیجه را گرفت.

■ شما با چه استدلالی این شاخص را گویا نمی‌دانید؟

این شاخص دو اشکال دارد، یکی در مخرج و یکی در صورتش، بودجه عمومی دولت + بودجه شرکت‌های دولتی تقسیم بر حجم تولید ناخالص داخلی ایرادی که در مخرج کسر وجود دارد این است که Gdp فقط اقتصاد رسمی ما را نشان می‌دهد. ولی ما می‌دانیم اقتصاد ایران بخش بزرگی اقتصاد غیررسمی دارد که هیچ کجا ثبت نمی‌شود. ما تخمین دقیقی از آن حجم نداریم اما کارهایی که توسط بعضی از اقتصاددان‌های ایرانی شده حجمی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد برای اقتصاد غیررسمی ایران تعریف می‌شود.

■ یعنی ۲۰ درصد Gdp ما در هیچ کجا ثبت نشده است؟

ما حداکثر ۸۰ درصد Gdp (تولید ناخالص داخلی) واقعی‌مان را در مخرج این کسر منعکس می‌کنیم. حتی آموزگار جایی گفته بود که حدود ۳۰ درصد اقتصاد ایران غیررسمی است. یا خانم خلعتبری در جدیدترین تخمین‌اش رقم ۲۰ درصد را برای اقتصاد غیررسمی به دست آورده است.

■ چه ایرادی در صورت کسر وجود دارد؟

وقتی ما در مخرج این ۲۰ درصد را اضافه کنیم حتی اگر صورت تغییر نکند، مخرج بزرگتر و آن عدد کوچکتر می‌شود. در صورت هم یک مشکل جدی داریم و آن بخش شرکت‌های دولتی است. تمام مشکلاتی که ما برای اقتصاد دولتی می‌شماریم، بیشتر از اینکه به مالکیت برگردد به مکانیسم و سازوکار تصمیم‌گیری برمی‌گردد. طرفداران اقتصاد آزاد معتقدند بخش دولتی براساس مکانیسم بازار تصمیم نمی‌گیرد، دستوری و بی‌توجه به علایم و نشانه‌های بازار تصمیم‌گیری می‌کند. تصمیم براساس بازار بنا به اطلاعاتی در زمینه تقاضا، تکنولوژی و عرضه گرفته می‌شود. چون این اطلاعات در قیمت‌ها منعکس می‌شود و شرکت‌های دولتی به قیمت‌ها و سازوکار بازار بی‌توجه‌اند تصمیماتی می‌گیرند که نه کارا (منابع را به خوبی تخصیص نمی‌دهد) و نه بهینه است (یعنی رضایت خاطر مصرف‌کننده را جلب نمی‌کند). اما باید در پاسخ به این تفکر گفت در شرکت‌های دولتی لزوماً این اتفاق نمی‌افتد. گرچه مالکیت آنها مدل دولت است اما مکانیسم تصمیم‌گیری آنها همسو با بازار است نه جایگزین بازار. آنها هم مثل یک شرکت خصوصی سودی که می‌خواهند به دست بیاورند را ماگزیمم می‌کنند.

■ شما معتقدید شرکت‌های دولتی تحت‌تاثیر بازار و با توجه به سیگنال‌های ارسالی از برخورد عرضه و تقاضا تصمیم‌گیری می‌کنند؟

نمی‌خواهم بگویم همه آنها، ولی بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها درست مثل شرکت‌های خصوصی عمل می‌کنند. جایی می‌روند که سود هست، انتخابی می‌کنند که حداقل هزینه را برایشان داشته باشد تا نهایتاً از این منفعتی ببرند. در پاداش‌هایی که می‌گیرند، درصدی از سود را که می‌برند، برای آنها انگیزه ایجاد می‌کند. یعنی شما در صورت کسر هم باید تجدیدنظر کنید.

■ انحصاری بودن فضا را چطور تحلیل می‌کنید. رفتار شرکت‌های دولتی در شرایط انحصاری شکل می‌گیرد، اگر آن انحصار برداشته شود، شاید خودبه‌خود سهم آنها کمتر شود، به این صورت ایرادی که طرفداران اقتصاد آزاد وارد می‌کنند به حداقل می‌رسد.

دقیقاً درست است. من روی مشخصه انحصاری بودن فعلاً حرفی ندارم. مثلاً یکی از صاحبنظرانی که طرفدار بازار است گفته که اقتصاد سیاسی ما اقتصاد رانتی، دولتی و انحصاری است. باید تک‌تک آن را بررسی کرد. بله، ممکن است اقتصاد سیاسی ایران، انحصاری باشد ولی فقط مختص بخش دولتی نیست؛ بعضاً در بخش خصوصی هم با یک بخش خصوصی انحصاری روبه‌روییم. ما باید با منطق اقتصادی از بخش خصوصی دفاع کنیم. و نیز باید ببینیم که از کدام بخش خصوصی دفاع کنیم؟ بخش خصوصی مدرن. بخش خصوصی که تصمیم‌گیری آن براساس الگوهای مدرن است، تکنولوژی (نرم‌افزار و سخت‌افزار) آن مدرن است. یک بخش خصوصی رقابتی و کارآفرین. نه از بخش خصوصی که سودش حاصل استثمار مصرف‌کننده یا عوامل تولید است بلکه به‌دلیل کارآفرینی‌اش است که مدام سود می‌برد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد. بخش خصوصی که در غرب از آن دفاع می‌شود، بخش خصوصی‌ای است که کاملاً در مقابل محیط زیست، مصرف‌کننده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند مسئول است. آیا بخش خصوصی ما این خصوصیت را دارد، یعنی آیا رقابتی است؟ آیا مدرن است؟ آیا مسئولیت‌پذیر است؟

■ فکر نمی‌کنید به‌خاطر فضای اقتصادی کشور چنین نقدی به بخش خصوصی وارد می‌شود؟ یعنی اگر در ساختار اقتصادی ما آزادسازی صورت بگیرد، رفتار بخش خصوصی به‌سمتی که مدنظر شماست میل نمی‌کند؟

درست است. من می‌گویم ما باید تقدم و تاخرهایمان را حفظ کنیم. البته از این بحث دور می‌شویم اما بحث بدی نیست. ما باید یک قاعده راهنما در اقتصادمان داشته باشیم: بخش خصوصی و سازوکار بازار در حد امکان و بخش دولتی و سازوکار آن در حد ضرورت. حد این ضرورت و امکان هم باید با انعطاف و در گفت‌وگو معلوم شود. پس باید بخش خصوصی و سازوکار آن را در بازار داشته باشیم. ولی باید دو نکته را مشخص کنیم: یکی اینکه پیش‌شرط عملکرد بهینه بخش خصوصی و اقتصاد ما چیست و چه کسی باید آن را فراهم کند و نکته دوم اینکه ما می‌خواهیم از کدام بخش خصوصی دفاع کنیم. ما ممکن است در ایران وظایفی را به دوش دولت بگذاریم که در کشورهای دیگر نمی‌گذاریم. از جمله بسترسازی و زمینه‌سازی عملکرد مطلوب بخش خصوصی و مکانیسم بازار. یعنی دولت باید به شکل دیگری به بخش خصوصی مناسب و عملکرد مطلوب مکانیسم بازار کمک کند.

■ دولت چطور می‌تواند این کار را بکند؟

در تجربه بقیه کشورها آنجا که مکانیسم بازار خوب عمل کرده است، چندتا شرط محقق شده است، یکی وجود تقاضای کافی است یعنی بازار گسترده. یعنی تولید بخش خصوصی خریدار داشته و رسماً در این فکر بوده که آیا تولید به صرفه هست یا نه. یک تقاضای موثر قدرتمند برایش وجود داشته است. ویژگی دیگر وجود یک بازار مالی گسترده و کارآمد بوده است. بخش خصوصی به‌راحتی به منابع مالی دسترسی داشته، وام می‌گرفته و لازم نبوده در صف بایستد یا از راه‌های غیرقانونی وام بگیرد. یک بازار مالی یکپارچه در دسترس بخش خصوصی برای رشد وجود داشته.

■ به نظر شما دولت باید اینها را ایجاد کند؟

من می‌خواهم بگویم که دولت می‌تواند بنیان‌سازی بکند. حتماً لازم نیست که خودش این کار را بکند. ولی یک شرط سوم وجود دارد که حتماً باید توسط دولت محقق بشود و آن پایین آوردن هزینه مبادله است.

■ یعنی کاهش ریسک.

بله. کاهش ریسک و اینکه مطمئن باشید وقتی معامله می‌کنید پولتان برمی‌گردد. لازم نباشد هزینه‌هایی را متحمل شوید که هیچ ربطی به تولید ندارد. هزینه‌هایی برای تولید پرداخت می‌شود؛ مواد اولیه ماشین‌آلات و... ولی نباید حاشیه هزینه‌های تولید زیاد شود. یعنی شما دائماً مجبور نباشید رشوه بدهید فرد ذی‌نفوذی را ببینید تا چک شما را نقد کند و... این اقدامات کاملاً دولتی است یعنی کاملاً باید توسط دولت (حکومت) حل شود. به نظر من لفظ دولت در ایران گمراه‌کننده است. در بعضی کشورها معمولاً دولت یا Government را به قوه مجریه و در بعضی از کشورها به قوه مجریه و مقننه اطلاق می‌کنند.

■ منظور شما State است.

بله، من State یا حکومت را می‌گویم. چون قوه قضائیه در تامین این امنیت خیلی نقش بسزایی دارد. دولت باید بازارهای مالی مطمئن و شفاف ایجاد کند. وقتی دولت دخالت می‌کند و خودش بازار را تخریب می‌کند- مثل تصمیمات اخیر دولت در ایران- بنیان‌های یک بازار یکپارچه مقدماتی را هم از بین می‌برد.

■ اگر موافق باشید، زودتر برسیم به این بحث، رفتار اقتصادی دولت جدید چه ذهنیت سیاسی را نشان می‌دهد؟

هدف دولت جدید برخورد با سه جریان اجتماعی بوده و سیاست اقتصادی‌اش کاملاً آن را دنبال می‌کند. سه گروه در جامعه داریم که دولت جدید با خواسته‌ها و تقاضاهایشان مقابله می‌کند. یک گروه بخشی از سرمایه‌داران ایران هستند. بخشی که در زمان آقای هاشمی رشد کرد و کمابیش مدرن است، خواست‌های مدرن دارد، مدل‌های تصمیم‌گیری‌اش مدرن و خواسته اصلی‌اش رشد و رونق در اقتصاد است. به همین دلیل هم به بخشی از بودجه در دولتی تاکید دارد که یا به انباشت سرمایه منجر می‌شود یا امنیت ایجاد می‌کند که باز هم بسترساز رشد است. بخشی از این سرمایه‌داری از نظر دولت جدید در دایره قرمز قرار دارد. علتش این است که چنین سرمایه‌دارانی نوعی استقلال از خودش نشان می‌دهند. حتی مایلند در برخی از تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌کنند. در ایران گاهی اوقات جریان‌های قدرتمند به بخش خصوصی به‌عنوان منبع تامین مالی نگاه می‌کنند. اما یادشان می‌رود کسی که تامین مالی می‌کند مایل است بعداً در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کند. کسی که برای تبلیغات انتخاباتی پول می‌دهد این پول را فی‌سبیل‌الله نمی‌دهد. این بخش خصوصی مطالباتش بالا رفته و دولت جدید را نماینده خودش نمی‌داند و رابطه ارگانیک و اندام‌واری با این دولت ندارد، بنابراین بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت جدید، به خلع‌ید و از هم پاشیدن این بخش خصوصی می‌انجامد. گروه دوم بخشی از طبقه متوسط شهری جدید است که عمدتاً مشکلش با دولت نهم بر سر سبک زندگی است. اینها یک سبک زندگی متفاوتی را انتخاب کرده‌اند، منظور از سبک زندگی «الگوی مصرف» است، چه بخورند، چه بپوشند، اوقات فراغتشان را چگونه بگذرانند. الگوی مصرف یا سبک زندگی اینها با الگوی رسمی تبلیغ شده در ایران متفاوت است. اینها بیشترین گروهی هستند که در کیش تفریح می‌کنند. بعضی‌ها فکر می‌کنند که بیشتر سرمایه‌داران به کیش می‌روند. نه! در حالی که اغلب همین طبقه متوسط جدید هستند که پس‌اندازشان را در کیش خرج می‌کنند. اینها می‌خواهند سبک جدیدی از زندگی داشته باشند. دولت جدید با اینها نیز مشکل دارد، بخشی از سیاست‌های اقتصادی‌اش در تقابل با اینها است. سومین گروهی که مطالباتش با دولت جدید در تقابل است بخشی از طبقه مدرن است و مشکل‌اش با دولت بر سر مشارکت‌جویی بر دموکراسی خواهی‌اش است. بیشتر از اینکه سر سبک زندگی دعوا داشته باشد خواهان دموکراتیک شدن فرآیندهای تصمیم‌گیری است.

یکی از شعارهای دولت جدید شعار «عدالتخواهی» است. وقتی به مضمون این شعار نگاه کنید می‌بینید که منظورش بسیج بخش‌های محروم‌تر و حاشیه‌ای جامعه علیه آن بخش از سرمایه‌گذاری است (که ساز مستقل می‌زند) و این بخش از طبقه متوسط جدید (که سبک زندگی متفاوت می‌خواهد) است. دائماً این عدالتخواهی طوری تعریف می‌شود که عده‌ای فکر کنند علت فقر و بدبختی‌شان را باید در این گروه جست‌وجو کنند. یک نوع کینه‌ای را نسبت به کسانی که نوشابه می‌خورند، برای تفریح به کنار دریا می‌روند و گاهی زیتون می‌خورند و به بین بخش‌هایی از مردم این احساس را ایجاد می‌کنند که اینها تجمل است. اینها هستند که موجب فقر هستند. شعار عدالتخواهی جهت‌گیری‌اش سرکوب این دو جریان است. طوری هدایت می‌شود که این دو جریان را بزند. بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت و این انتخاب سرمایه‌گذاری نوپا را تنگ‌تر می‌کند. مدام در کارش دخالت می‌کند. بخشی از این سرمایه‌داری که در بانک‌های خصوصی فعال شده بود هم‌اکنون در حال کنترل شدن است. اگرچه قبلاً هم کنترل وجود داشت ولی دایره این کنترل مدام تنگ‌تر می‌شود. دولت همچنین سبک زندگی طبقه متوسط جدید را به‌عنوان سبک تجملی، غربی و مصرف‌گرا نشانه رفته است. در برابر آن بخش از طبقه متوسط مدرن نیز که به دنبال مشارکت سیاسی است شعار سربلندی در خارج و درگیر شدن با خارج طراحی شده است، چرا که چنین شعاری فضا را امنیتی می‌کند و این امکان را می‌دهد که برای مشارکت‌جویی حدودی قائل شود. دولت جدید تمایز خودش را با دولت قبلی در دو زمینه تعریف می‌کند. یکی در سیاست خارجی که سیاست تهاجمی در پیش گرفته و دوم عدالت و عدالتخواهی و توجه به محرومان و دور شدن از اقشار متوسط. وقتی نگاه می‌کنید می‌بینید که نهایت این دو تمایز سرکوب این سه جریان است. این سه جریان باید به طریقی سرکوب شوند. بنابراین هنوز هم معتقدم که تصمیمات اقتصادی دولت جدید بیشتر تابع اراده‌های سیاسی‌اش است و پیامد اقتصادی دارد. دولت جدید فاقد یک چارچوب مشخص دارای پشتوانه نظری برای سیاستگزاری است و بیشتر مقطعی و متناسب با اهداف سیاسی‌اش تصمیم‌گیری اقتصادی می‌کند.

خلاصه گفت‌وگو

۱- حکومت ایران یک حکومت چندوجهی است. در آن هم ویژگی حکومت‌های کاریزماتیک هم بعضی از خصوصیت‌های حکومت دموکراتیک و بعضی از ویژگی‌های حکومت‌های الیگارشی یا گروه سالار (اندک‌سالار) را می‌بینیم

۲- به عنوان مشخصه اقتصاد سیاسی ایران، حکومتی یا دولتی بودن آن را نام می‌برند. اما این ادعا با شاخصی طرح می‌شود که دارای دو ایراد است.

۳- در مدل اقتصاد سیاسی ایران هم گرایش‌های رانتی، هم گرایش پوپولیستی و هم تمایلات و جهت‌گیری‌های دولت رفاهی را می‌توان دید.

در ترکیب بودجه‌های دولت سهم بخش اجتماعی نسبت به بخش‌های دیگر بیشتر است.

گفت‌وگو

قیمت فولاد تغییری نکرده است

سیدحمزه حسینی

متن زیر ادامه گفت‌وگو با رستمی رئیس شرکت ملی فولاد است که دیروز بخش اول آن چاپ شد.

■ تولیدکننده فولاد با توجه به وضعیت نابسامان تقاضا در ایران با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

همان‌گونه که گفتم تقاضا در ایران وضعیت نابسامان و مغشوشی دارد و واردات نیز روند نابسامان و مغشوشی داشته و دارد اما دو مورد هستند که روند قابل کنترلی دارند. یکی تولید و دیگری صادرات دست و دلیلش این است که تولید و صادرات است افراد سیاسی نیست ولی تقاضا و واردات به مسائل سیاسی بسیار وابسته هستند.

■ شکل توزیع شرکت‌های تولیدکننده فولاد در مناطق و قطب‌های صنعتی در ایران به چه صورتی است؟

در مورد نزدیکی توزیع با مصرف بحث مصرف فولادهای مصرف عام و مصرف خاص وجود دارد. در مورد فولاد عام ثقل تولید ما در اصفهان و خوزستان است. فولاد مبارکه و ذوب‌آهن در اصفهان هستند و در خوزستان علاوه بر فولاد خوزستان، گروه ملی فولاد و نورد لوله اهواز حضور دارند. اما به هر حال در جایی که مصرف فولاد زیاد است و تمرکز جمعیت داریم، کارخانه‌های فولاد هم هستند و به نوعی میان میزان مصرف و توزیع بالانس وجود دارد. گرچه ما جابه‌جایی هم داریم. مثلاً شمش مورد استفاده فولاد میانه را از اهواز می‌فرستیم و بعضی وقت‌ها از کشورهای شمالی تهیه می‌کنیم و به هر حال میان توزیع، تولید و مصرف فولاد عام در کشور مشکل خاصی وجود ندارد اما یک بحث مصرف خاص هم وجود دارد مثلاً کشتی‌سازی و لوله گاز نیاز به ورق عریض فولاد دارند. ورق عریض یا خود لوله هزینه حمل بالایی دارند و برای رفع این مشکل هم‌اکنون برنامه‌ای در دست اجرا است تا این ورق عریض مورد نیاز خط لوله گاز و کشتی‌سازی‌ها در خوزستان ساخته شود.

■ نکته دیگری هست که بخواهید به آن اشاره کنید؟

من می‌خواهم در مورد اقدامات داوطلبانه‌ای که شرکت ملی فولاد برای کاهش بازار انجام داده است توضیحاتی بدهم. اولاً باید بگویم که قیمت فولاد تفاوت چندانی نکرده است چرا که اگر قیمت